



چرا باید یک متفکر کل نگر بود

هیچ کس مایل نیست که یک فرد تنگ نظر شناخته شود. کسی هم تصمیم نمی گیرد که در زمره ی این افراد باشد.

اما در صورتی که کاملاً قانع نشده اید، باید زحمت تبدیل شدن به یک متفکر کل گر بهتر را به دلایل زیر به جان بخرید.

دلایل اینکه باید به یک متفکر کل نگر تبدیل شوید

۱- تفکر کل نگر در شما توان رهبری را پرورش می دهد

هر چند تعداد متفکرانی کل نگر که رهبر نیستند بسیار زیاد است، ولی در مقابل تعداد رهبرانی که متفکر کل نگر نیستند بسیار اندک است.

رهبران باید توان انجام کارهای زیادی را برای مردم خود داشته باشند:

قبل از دیگران قادر به دیدن چشم انداز باشند

آن ها همچنین به این امر بسنده نمی کنند. این امر به آنان اجازه می دهد تا...

موقعیت ها را اندازه گیری کرده ، بسیاری از متغیرها را مورد ملاحظه قرار دهند

رهبرانی که توان کل نگری دارند می توانند

احتمالات و مشکلات را از پایه تا ترسیم چشم انداز تشخیص دهند. زمانی که رهبران موفق به انجام این کار شوند می توانند...

طرح برنامه های آینده تیم را به تصویر بکشند



این طرح در بر گیرنده ی هر چالش بالقوه یا تخیلی است. رهبران نباید تنها به برقراری یک احساس خوب در افراد اکتفا کنند، بلکه باید آنان را در خوب بودن و به انجام رساندن رویاهایشان کمک کنند. یک چشم انداز صحیح و دقیق به رهبران اجازه می دهد که...

برای معنابخشی بیشتر به برنامه، چگونگی ارتباط آینده را با گذشته به نمایش بگذارند

زمانی که رهبران برای ارتباط این نیاز را تشخیص دهند و اتصال را برقرار سازند، آنگاه می توانند...

در زمان مناسب فرصت ها را برابیند

در رهبریت، زمان اقدام به اندازه ی خود اقدام اهمیت دارد.

همانطور که وینستون چرچیل گفته در زندگی هر فرد یک لحظه ی خاص وجود دارد، آن لحظه ای که فرد برای آن موضوع متولد شده لحظه ی شناخت آن موضوع بهترین ساعت عمر او.

چه در حال جاده سازی هستید، چه برای یک مسافرت برنامه ریزی می کنید، ایا حرکت به سمت رهبری را آغاز کرده اید، تفکر کل نگر امکان لذت بردن از پیروزیهای بیش تر را برایتان فراهم می کند.

آنهایی که بدون وقفه در صدد یافتن کل نگر کامل هستند، هر تلاششان با موفقیت همراه خواهد بود.



۲- تفکر کل نگر شما را در مسیر هدف نگه میدارد

کسی که همه جا هست، هیچ جا نیست. کارها زمانی درست انجام می شوند که بر روی شان تمرکز کنید.

ولی در ضمن برای انجام کارها باید به کل نگر هم توجه داشت. تنها راه ماندن در مسیر هدف، قرار دادن اعمال روزانه در فضای کل نگر است.

به قول آلویین تافلر: باید به هنگام انجام کارهای کوچک، به کارهای بزرگ هم بی اندیشید، چون در این صورت است که تمامی کارهای کوچک در مسیری درست قرار خواهند گرفت.

۳- تفکر کل نگر به شما امکان دیدن از دریچه ی چشم دیگران را می دهد



توانایی مشاهده از دریچه ی چشم دیگران یکی از مهم ترین مهارت هایی است که می توان آن را در روابط انسانی پرورش داد.

این مهارت را می توان یکی از کلیدهای کار با ارباب رجوع، رضایتمندی مشتریان، بقای زندگی زناشویی، پرورش فرزندان، و یاری رسانی به نیازمندان، و غیره و غیره دانست.

تمام فعل و انفعالات انسانی در گرو به این امر است که بتوانید خود را به جای دیگران قرار دهید.

می پرسید چگونه؟ ورای آنچه در اطراف تان قرار دارد بنگرید، و برای دلبستگی هایتان، ورای دنیای خود.

وقتی سعی می کنید موضوعی را از تمام زوایا مورد ملاحظه قرار داده، و از تمام جوانب بازرسی آن بپردازید، به درک علایق و نگرانی های دیگران آگاهی یافته، نگاه خود را به کناری می گذارید و شروع به دیدن مواردی می کنید که دیگران می بینند. امری که بسیار قدرتمند است.

۴- تفکر کل نگر موجب ارتقای کار تیمی می شود





اگر تا به حال در یک کار تیمی شرکت کرده‌اید، پس از اهمیت کل نگرى توسط هر یک از اعضا، به جای توجه به نقش خود، برای شما ناشناخته نیست.

بی اطلاعی هر عضو از تاثیر نقش خود بر هم تیمی هایش تمام تیم را در معرض خطر قرار می‌دهد.

هرچه درک اعضای تیم از کل نگرى بیشتر باشد، توان کار گروهی آنان به عنوان یک تیم افزایش می‌یابد.

۵- تفکر کل نگر شما را از گیر افتادن در دام روزمرگی محافظت می‌کند

بیا بید روراست باشیم: برخی از وجوه زندگی روزمره در عین داشتن ضرورت فاقد اهمیت هستند.

متفکران کل نگر به خود اجازه نمی‌دهد که تحت تاثیر این موارد قرار بگیرند، زیرا تمام زوایا به موضوع می‌نگرند.

فردی که هدف را فراموش کرده، اسیر ضروریات می‌شود.

۶- تفکر کل نگر به شما در ترسیم حوزه های ناشناخته کمک می‌کند

آیا تا به حال به این بیان برخوردیده اید که می‌گویید:

چو فردا رسد فکر فردا کنم؟

مطمئناً ابداع کننده ی این عبارت با کل نگرى مشکل داشته است. مردمان موفق کسانی هستند که مدت ها قبل از دیگران در ذهن خود به فردا اندیشیده اند.

تنها راه کشف صحنه های تازه یا حرکت به سمت حوزه های ناشناخته، نگرستن ورای ضروریات داشتن دیدی کل نگر است.

چگونگی دستیابی به تفکر کل نگر



اگر در آرزوی بهره‌برداری از فرصت‌های جدید و گشودن افق‌های تازه هستید، باید تفکر کل‌نگر را به توانایی‌های خود بیفزایید.



برای تبدیل شدن به یک اندیشمند موثر که توان کل‌نگری را دارد، بهتر است توصیه‌های زیر را به خاطر بسپارید:

۱- در پی یقین نباشید

متفکران کل‌نگر با ابهامات مشکلی ندارند. آنها سعی ندارند هر روز مشاهده و اطلاعات خامی را بر اساس ذهن از پیش تنظیم شده‌ی خود تعریف کنند.

اندیشه‌ی آنان وسیع است، و می‌توانند افکار به ظاهر ضدونقیض را در زندگی خود جای دهند.

شما هم اگر مایلید توان تفکر کل‌نگری را در خود پرورش دهید، باید عقاید پیچیده و متنوع را پذیرفته و با آنها کنار بیایید.



۲- از هر تجربه چیزی بیاموزید

تلاش متفکران کل نگر برای آموختن از هر تجربه، به وسعت چشم انداز شان می افزاید. آن ها به موفقیت های خود بسنده نمی کنند.

هر موفقیت، و مهم تر از آن هر شکست برای آنان درسی آموزنده در خود دارد، زیرا آنها یادگیرنده باقی می مانند.

تجربیات متنوع، خواه مثبت یا منفی، به شما در کل نگر یاری می دهد. هر چه تنوع تجربیات و موفقیت ها بزرگتر شود، استعداد یادگیری شما هم بیشتر می شود.

اگر میخواهید به یک متفکر کل نگر بدل شوید، پس بجنبید و دست به کارهای زیادی زده، از امکاناتی که در مقابلتان قرار می گیرد استفاده کنید، و با صبر و حوصله از هر پیروزی یا شکست خود درسی بیاموزید.





۳- با استفاده از دیگران بر آگاهی خود بیفزایید

متفکران کل نگر همان طور که از تجربیاتشان درس می آموزند، از تجربیاتی که نداشته اند نیز یاد می گیرند.

آنها با دریافت آگاهی از دیگران بر دانش خود می افزایند. از مشتریان، کارمندان، همکاران و رهبران.

اگر در پی گسترش و وسعت بخشی به تفکر خود و درک کل نگری هستید، از مشاوران کمک بگیرید. اما در انتخاب آنها دقت کنید.

افزایش آگاهی از طریق دیگران به معنای متوقف کردن مردم در خیابانها یا آدرس فروشگاه ها و دریافت نظراتشان در مورد موضوع مورد نظر شما نیست.

با دقت انتخاب کنید. با کسانی موضوع را مطرح کنید که شما را شناخته و دوستان دارند، کسانی که رشته ی کاری خود را شناخته، و تجربیات وسیع تر و عمیق تری از شما کسب کرده اند.

۴- دنیای خود را گسترش دهید

اگر می خواهید یک متفکر کل نگر باشید، باید بتوانید بر خلاف جریان آب شنا کنید. جامعه بر مردم محدودیت هایی را اعمال می کند.



بیشتر مردم به جای توجه به واقعیت ها با ساخته های ذهنی شان درگیرند. آنها به گذشته دل می بندند، نه به آنچه که در توانشان است.

آنها در پی پاسخ های امن و ساده می گردند. برای رسیدن به مرحله ی تفکر کل نگر، باید در پی مسیرهای دیگر باشید، صخره های جدید را کشف کنید، و دنیا های تازه را فتح نمایید.

وسیع تر شدن دنیای خود را جشن بگیرید. هرگز فراموش نکنید که خارج از تجربیاتتان، دنیای دیگری نیز جریان دارد.

آموختن، رشد کردن و منفک نشدن از کل نگری را ادامه دهید. برای نیل به تفکر کل نگر این کارها الزامی است.

« جان مکسول »